

شناسنامه علمی اخلاق کاربردی

محمدتقی اسلامی*

چکیده

اخلاق کاربردی رشته‌ای است که می‌تواند نقش چشمگیری در جلب توجه فرهیختگان و حتی خوانندگان عمومی به اهمیت مباحثات اخلاقی و از جمله مباحثات فلسفه اخلاقی داشته باشد. ولی به دلیل این که تنها حدود چهار دهه از رویکرد معاصر عالمان اخلاق به این رشته می‌گذرد، و هنوز رشته‌ای جوان و نوپدید به حساب می‌آید، مناقشات و چالش‌هایی بر سر چگونگی شناخت و معرفی این رشته در میان پژوهندگان آن جریان دارد. در این مقاله تلاش کرده‌ام تا با واکاوی و تحلیل تازه‌ترین بحث‌ها، جمع‌بندی نسبتاً مقبولی از شناخت هویت دانشی این رشته و معرفی مهم‌ترین مبادی آن ارائه کنم. به این منظور به ترتیبی که منطق دانان تحت عنوان رئوس ثمانیه علم برای معرفی شناسنامه یک علم پیشنهاد کرده‌اند، از هشت عنوان: تعریف، موضوع، غایت، فایده، عناوین بحث، مؤلفان و مؤسسان، مرتبه علمی، و روش سخن به میان آورده، در موارد بحث‌انگیز وارد بحث و موضع‌گیری شده‌ام.

واژگان کلیدی

اخلاق کاربردی، رئوس ثمانیه، اخلاق هنجاری، فرااخلاق، فلسفه کاربردی، اخلاق حرفه‌ای.

تعریف اخلاق کاربردی

مرسوم است که میان سه رشته منشعب از فلسفه اخلاق تمایز گذاشته می‌شود: فرااخلاق، اخلاق هنجاری و اخلاق کاربردی. فرااخلاق پژوهشی درجه دوم است که درباره ماهیت زبان و استدلال‌های

eslami48@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۰

*. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۵

اخلاقی بحث می‌کند. اخلاق هنجاری نیز پژوهشی درجه اول است که شناسایی حقایق اخلاقی عام را دنبال می‌کند و بالأخره اخلاق کاربردی - که اخلاق عملی^۱ یا به‌ندرت، اخلاق ناخالص^۲ نیز نامیده شده است (Louden, 2000) - مطابق فهم مشهور به دنبال این است که حقایق اخلاقی عام را که در اخلاق هنجاری کشف شده است، در افعال، تجربه‌ها یا سازمان‌های خاص به کار بندد. به این ترتیب، اخلاق کاربردی در آرزوی درجه اولی دفاع از مدعیات اخلاقی واقعی با اخلاق هنجاری سهیم است. (Archard, and Ippert-Rasmussen 2013: 320-335)

این فهم مشهور براساس تعریف برنارد گرت از اصطلاح اخلاق کاربردی شکل گرفته که مطابق آن، اخلاق کاربردی عبارت است از: «کاربست یک نظریه اخلاقی در برخی از مسائل اخلاقی خاص یا در مجموعه‌ای از این مسائل به‌منظور حل آنها.» (Gert, 1982: 51-52) اگر چه این تعریف به نظر روان و رسا می‌رسد و به همین سبب مقبولیت گسترده‌ای یافته است، بسیاری از پژوهندگان این رشته به دلایلی ترجیح می‌دهند برخلاف گرت، اخلاق کاربردی را به کاربست تعریف نکنند. (Beauchamp, 1999: 38) زیرا چنین تعریفی، اخلاق کاربردی را بیش از اندازه محدود می‌کند و ماهیت واقعی آن را نشان نمی‌دهد. از این‌رو تعریف وسیع‌تری را پیشنهاد می‌کنند که عبارت است از: استفاده انتقادی از نظریه و روش‌های تحلیل فلسفی برای مواجهه اساسی با مسائل و مشکلات اخلاقی در حرفه‌ها، فناوری، سیاست جمعی و مانند آن. (Beauchamp, 1984: 514-515)

تعریف اخیر با توجه به مباحث و چالش‌های رایج در اخلاق کاربردی، رجحان می‌یابد. در این رشته، تمرکز اصلی نه بر نظریه‌های اخلاق هنجاری، که بر مسائل و مشکلات اخلاقی در عرصه‌های گوناگون است. کارآیی نظریه‌های اخلاقی و تقدم آنها بر مسائل و معماهای اخلاقی، مهم‌ترین بحث روش‌شناختی در اخلاق کاربردی است؛ با این وصف، اگر اخلاق کاربردی را به کاربست نظریه‌های اخلاقی در مسائل و معماهای اخلاقی تعریف کنیم، مصادره به مطلوب خواهد بود. افزون بر اینکه پژوهشگران این رشته، اهداف گوناگونی را پی می‌گیرند که حل مسئله اخلاقی و رسیدن به تصمیم، تنها یکی از آنهاست. پس بهتر است تعریف وسیع‌تر اخلاق کاربردی را بپذیریم که به‌کارگیری طیفی از روش‌های فلسفی (شامل تحلیل مفهومی، توازن متفکرانه، پدیدارشناسی و غیره) را مجاز می‌داند و بر حل مسئله به‌عنوان هدف تأکید نمی‌کند.

موضوع اخلاق کاربردی

با توجه به اینکه موضوع علم اخلاق، افعال اختیاری و صفات اکتسابی انسان، یا به تعبیری دقیق‌تر: رفتار

1. Practical ethics.
2. Impure ethics.

ارتباطی پایدار انسان است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۶۰) و با مرور بر توضیحاتی که درباره تعریف وسیع اخلاق کاربردی گذشت، می‌توانیم بگوییم موضوع اصلی این رشته «افعال اختیاری و صفات اکتسابی آدمی یا رفتار ارتباطی پایدار او در حیطه‌های مسئله‌خیز اخلاقی در زندگی فردی، اجتماعی، حرفه‌ای و زیست‌محیطی» است. به عبارتی دیگر، موضوع اصلی کاوش‌های اخلاق کاربردی، جستجو و بررسی حیطه‌های تاریک و روشن یا حیطه‌های خاکستری^۱ اخلاق است؛ حیطه‌هایی که داوری اخلاقی درباره آنها ما را به عبارت «از سویی و از سوی دیگر» سوق می‌دهد؛ یعنی از سویی موافق با ارزش یا ارزش‌هایی اخلاقی و از سویی دیگر، مخالف با آنها هستند.

با مرور بر منابع و آثار اخلاق کاربردی درمی‌یابیم که اندیشمندان این رشته با دو رویکرد یا دو گرایش به مطالعه، پژوهش و نیز آموزش بر محور موضوع این دانش پرداخته‌اند: یکی رویکردی که بیشتر از سوی فیلسوفان و اندیشمندان دانشگاهی دنبال می‌شود و می‌توان آن را «رویکرد فلسفی» نامید و دیگری رویکردی که بیشتر، متخصصان حرفه‌ها و سازمان‌های گوناگون آن را دنبال می‌کنند و می‌توان نام «رویکرد حرفه‌ای یا سازمانی» را بر آن نهاد. رویکرد نخست، حیطه‌های خاکستری را نه صرفاً به غرض حل مسئله و رسیدن به تصمیم اخلاقی، که به هدف تحلیل‌های فلسفی و سنجش میزان دقت نظریه‌های اخلاقی مطالعه می‌کند؛ درحالی که در رویکرد دوم، حل مسئله و رسیدن به تصمیم هدف اصلی است که جستجوی آن باعث می‌شود موضوعات دیگری همچون فهم وظیفه بالفعل براساس نظریه اخلاقی، ارزیابی عملکردها و روش‌های حل مسئله و تعارض اخلاقی، به‌عنوان موضوعات فرعی در کنار موضوع اصلی بررسی و مطالعه شوند.

اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای

در نسبت‌سنجی میان اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای دو نظریه مطرح است. عده‌ای معتقدند اخلاق کاربردی با اخلاق حرفه‌ای مترادف نیست؛ مسائلی از قبیل تخصیص منابع کمیاب اجتماعی، جنگ‌های عادلانه، سقط جنین، تضاد علاقه در تصمیم‌گیری نیابتی،^۲ افشاگری،^۳ فریب مقامات دولتی، تحقیق بر حیوانات و محرمانه بودن اطلاعات مالیاتی، فراتر از رفتار حرفه‌ای‌اند؛ اما همگی در قلمرو اخلاق کاربردی قرار دارند؛ از این رو نباید اخلاق حرفه‌ای را بخشی از قلمرو وسیع‌تر اخلاق کاربردی دانست؛ چراکه دومی معمولاً در محدوده کاری فیلسوفان جای می‌گیرد؛ درحالی که اولی به‌خوبی از محدوده فلسفه اخلاق پا را

1. Gray arias.
2. Surrogate decision making.
3. Whistle blowing.

فراتر گذاشته، به خود حرفه‌ها مربوط می‌شود. (Beauchamp, 1999: 39) در مقابل، عده‌ای بر این باورند که اخلاق کاربردی، حوزه اخلاق حرفه‌ای را نیز دربر می‌گیرد. اخلاق حرفه‌ای به بررسی آن دسته از چالش‌ها و معضلات اخلاقی می‌پردازد که شاغلان بخش بهداشت و درمان و طیف وسیعی از شاغلان در سایر حرفه‌ها مانند وکلا، حسابداران، مدیران و مجریان، کسبه، پلیس و افسران اجرایی تجربه می‌کنند. در این حیطة، اغلب حرفه‌ها می‌خواهند رهیافت‌های خود را سازماندهی کنند و آن را رهنمون اعضا سازند. (Almond, 1998: 318)

به نظر می‌رسد این دو نظریه متأثر از دو رویکردی است که پیش‌تر تحت عنوان رویکرد حرفه‌ای و فلسفی به اخلاق کاربردی معرفی کردیم. طرف‌داران نظریه نخست از رویکرد فلسفی و طرف‌داران نظریه دوم از رویکرد حرفه‌ای تأثیر پذیرفته‌اند.

غرض و غایت اخلاق کاربردی

از نگاه منطقدانان، غرض یا غایت علمی همان هدفی نهایی است که علم یا شاخه علمی برای نیل به آن تأسیس می‌شود. جستجوی این هدف در آثار اخلاق کاربردی ما را به غرض و غایت واحدی نمی‌رساند؛ زیرا عالمان اخلاق کاربردی، اهداف گوناگونی را دنبال می‌کنند (Archard, Ippert-Rasmussen 2013: 333) که به اختصار عبارتند از:

الف) هدف توصیه‌ای: نیل به نتیجه معقول درباره درستی یا نادرستی یک عمل. این هدف هنگامی که مسئله بحث‌انگیز باشد، ارزش زیادی پیدا می‌کند. آن دسته از عالمانی که این هدف را دنبال می‌کنند، گاه مشتاق هستند تا نشان دهند نتیجه مطلوب آنها با طیف متفاوتی از اصول اخلاقی سازگار است و هر کدام از آن اصول را بپذیریم، این نتیجه به دست خواهد آمد. دلیل این اشتیاق آن است که اگر ارزیابی اخلاقی معینی در میان طیفی از اصول اخلاقی متفاوت کارآمد باشد، آنگاه لازم نیست برای ارزیابی یک عمل به اتخاذ موضع درباره اصول بحث‌انگیز اخلاقی بپردازیم. مدیران و متخصصان حرفه‌ها که برای تصمیم‌سازی، در جستجوی توصیه عالمان اخلاق کاربردی هستند، غالباً همین نتیجه را طلب می‌کنند.

ب) هدف توصیفی: توصیف ملاحظات اخلاقی اغلب متعارض درباره موضوعی خاص، بدون اینکه با لحاظ همه ملاحظات، موضعی درباره درستی یا نادرستی اخلاقی آن موضوع اتخاذ کنند. این هدف شاید ساده به نظر برسد؛ ولی گاه بیان اینکه آیا ملاحظات اخلاقی خاصی نسبت به موضوع موردنظر وجود دارد یا نه، کاملاً دشوار است. برای نمونه، اصل اخلاقی منع‌کننده از کشتن انسان‌های بی‌گناه را در موضوع

سقط جنین در نظر بگیرید. برخی این اصل اخلاقی را می‌پذیرند، ولی انکار می‌کنند که جنین‌ها و نطفه‌ها انسان باشند. در اینجا صرف تلاش برای تبیین اینکه کدام اصول اخلاقی بر این موضوع حمل می‌شود، ما را وارد حوزه پیچیده‌ای از مباحثی مانند چیستی ماهیت اشخاص انسانی می‌کند.

ج) هدف معیاری: محک زدن نظریه‌های اخلاق هنجاری و تقویت نظریه مطلوب. برخی نظریه‌پردازان به این دلیل به اخلاق کاربردی می‌پردازند که لوازم نظریه‌های هنجاری مختلف را در مواجهه با یک موضوع جزئی در اخلاق کاربردی بررسی کنند. گاه علاقه اصلی آنها نه به موضوع جزئی در اخلاق کاربردی، که به نظریه‌های هنجاری تعلق دارد. (Hare, 1986: 183) در واقع هدف اصلی آنها این است که با نشان دادن اینکه لوازم نظریه هنجاری مورد قبول آنها توان اقماعی کمتری از نظریه‌های هنجاری رقیب ندارد، نظریه هنجاری خویش را تقویت کنند.

د) هدف انتقادی: ارزیابی منتقدانه اخلاق عرفی در مسائل کاربردی. برخی از عالمان اخلاق کاربردی در پی شناسایی ناهماهنگی‌ها و بی‌انسجامی‌های موجود در دیدگاه‌های عرفی ما درباره مسائلی از اخلاق کاربردی هستند. برای نمونه، با اینکه پیتر سینگر خود را طرفدار رویکرد از بالا به پایین در اخلاق کاربردی معرفی می‌کند که به‌ظاهر با هدف توصیه‌ای سازگار است، به دلیل اینکه در آثار خود بدون هیچ استنادی به نظریه‌های هنجاری، از مبانی شهودی اخلاق عرفی انتقاد می‌کند، (Singer, 2005: 331-352) برخی او را دارای هدف انتقادی دانسته‌اند. (Archard and , lippert-Rasmussen 2013: 334)

فایده اخلاق کاربردی

منطق دانان مقصود از فایده را همان مصالحی دانسته‌اند که متعلم را به خواندن و فراگرفتن یک علم ترغیب می‌کند. فواید آموزش و پژوهش در اخلاق کاربردی را می‌توان برای دو رویکرد فلسفی و حرفه‌ای این‌گونه بیان کرد:

۱. فواید رویکرد فلسفی

۱. ایجاد جذابیت در مباحثات اخلاقی و فلسفه اخلاقی؛
۲. کارآیی‌بخشی و خارج کردن مباحث فلسفی اخلاق از حالت انتزاعی و ذهنی؛
۳. آشناسازی فیلسوفان اخلاق با مسائل و معضلات جاری در روند اخلاق هنجاری؛
۴. کمک به زدودن موانع و بن‌بست‌ها بر سر راه تربیت اخلاقی؛
۵. گشودن پای فیلسوفان به اندیشه درباره حل معضلات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی.

۲. فواید رویکرد حرفه‌ای

۱. کسب موفقیت حرفه‌ای؛
۲. نهادینه شدن اندیشه و رفتار اخلاقی در حرفه و سازمان؛
۳. کمک به تصمیم‌گیری اخلاقی؛
۴. حذف اضطراب و نابسامانی در روابط برون‌حرفه‌ای و درون‌حرفه‌ای؛
۵. ایجاد توانایی در حل بحران‌های حرفه‌ای.

علاوه بر اینها، توجه به این نکته نیز مفید است که امروزه شمار فراوانی از مراکز اخلاق کاربردی، به‌ویژه در اخلاق زیستی، در سراسر جهان وجود دارد و این مؤید آن باور روشنفکرانه است که مسائل اخلاقی مربوط به تدبیر عمومی را می‌توان به شیوه عقلی و از طریق تأملات فلسفی حل کرد و این نیازمندی تصمیم‌سازان حرفه‌ها را به داده فلسفی در مسائلی از جمله مسائل پیچیده اخلاقی نشان می‌دهد. این نیازمندی یکی از دلایل جایگاه کنونی اخلاق کاربردی است و می‌توان انتظار داشت که عناوین مترقی تازه در اخلاق کاربردی که به ابداعات فناورانه و مانند آن می‌پردازند، مسائل تازه اخلاقی را مطرح کنند؛ چنان‌که برای نمونه، کارهای اخیر در باب مسائل اخلاقی فضای مجازی یا اخلاق ربات‌ها بر این انتظار گواهی می‌دهد. همچنین بسیاری از رویدادهای سیاسی و اجتماعی تازه به باز شدن فضاهای جدید برای اخلاق کاربردی کمک می‌کند؛ چنان‌که ماجرای حمله هوایی به برج‌های دوقلوی نیویورک که به ماجرای یازده سپتامبر شهرت یافته است، علاقه به پرداختن به اخلاق جنگ و تروریسم را ایجاد کرده و همانند بسیاری از موضوعاتی از این دست، سبب شده است تا پیوند موضوعات مشهور فلسفی با موضوعاتی که در اذهان مخاطبان عام وجود دارد، آشکارتر گردد و این مخاطبان به مطالعه موضوعات فلسفی علاقه بیشتری نشان دهند.

عناوین مباحث در اخلاق کاربردی

اگرچه هیچ طبقه‌بندی مشخصی از عناوین اخلاق کاربردی وجود ندارد، برخی از نویسندگان غربی تقسیم‌بندی ناهمواری از انواع گسترده عناوین اخلاق کاربردی در نظر گرفته‌اند تا بتوانند طیفی از عناوین و موضوعات ذیل این عنوان را بازتاب دهند. این تقسیم‌بندی از این قرار است:

۱. عناوین مربوط به درون فضای زندگی شخصی (رابطه جنسی، قتل ترحمی و غیره)؛
۲. عناوین مربوط به حرفه‌ها یا انواع فعالیت اجتماعی (کسب‌وکار، رسانه، ورزش و غیره)؛
۳. عناوین موضوعات در سطح دولت یا کلیت جامعه (مجازات بدنی، تبعیض مثبت و غیره)؛
۴. عناوین موضوعات در سطح بین‌المللی (جنگ، فقر جهانی و غیره).

این نویسندگان در عین حال اذعان کرده‌اند که این طبقه‌بندی نه جامع است - زیرا برای نمونه به‌درستی روشن نیست اخلاق اطلاعات در کدام‌یک از این چهار طبقه قرار می‌گیرد - و نه مانع - به این معنا که یک حوزه نتواند تحت بیش از یک طبقه قرار گیرد - و از این‌رو مثلاً انتخاب فردی نسبت به سقط جنین با اینکه مربوط به فضای زندگی شخصی است، می‌تواند تحت عناوین موضوعات حکومتی و دولتی قرار گیرد و به لحاظ قانونی کنترل شود. به‌علاوه اینکه، حوزه‌هایی اخلاق زیستی همانند فلسفه ورزش و فلسفه تعلیم و تربیت به یک حوزه انشعاب‌یافته مستقل و خودمختار از فلسفه تبدیل شده‌اند و عمده کاری که در اخلاق زیستی انجام می‌شود، همان اخلاق کاربردی است؛ ولی مسائل این حوزه‌ها تحت همه چهار طبقه از عناوین مذکور قرار می‌گیرد. (Archard and Lippert-Rasmussen, 2013: 321-322)

شاید بتوان با تقسیم‌بندی فراگیرتری از حوزه‌های فعالیت انسانی، دسته‌بندی منسجم‌تری از شاخه‌ها و عناوین اخلاق کاربردی ارائه کرد. در برخی از پژوهش‌های بومی، تقسیم‌بندی تازه‌ای پیشنهاد شده است که در آن موضوعات اخلاق کاربردی به شیوه‌ای ابتکاری به چهار گروه: ۱. موضوعات فرهنگی، ۲. موضوعات سیاسی، امنیتی و قضائی، ۳. موضوعات اقتصادی و ۴. موضوعات بهداشت و سلامت تقسیم شده‌اند و عناوین فراوان ذیل موضوع مربوط به خود قرار می‌گیرند (اسلامی و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۷ - ۷۵) و بدین ترتیب، امکان شناسایی جایگاه بحث از هر عنوان آسان‌تر به نظر می‌رسد.

مؤلفان و مؤسسان اخلاق کاربردی

هرچند اصطلاح اخلاق کاربردی (applied ethics) به طور مشخص در دهه هفتاد قرن بیستم رواج یافت، معمولاً سابقه تاریخی اخلاق کاربردی را در غرب با آغاز دغدغه فلاسفه برای کاربردی کردن فلسفه پیوند می‌زنند. فلاسفه بعدی نیز گاه فرضیه‌های اخلاقی خود را در موارد جزئی به کار می‌گرفتند و این کار را روشی برای پی‌ریزی اصول هدایت‌گر می‌دانستند؛ برای نمونه، آکوئیناس به بررسی طیفی از مسائل عملی در کتاب جامع الهیات^۱ پرداخت که شامل ازدواج و خانواده می‌شد و این سنت از سوی سوآرز^۲ و گروتیوس^۳ (۱۶۲۵) بسط بیشتری یافت. جان لاک در موضوع تساهل نوشت، کانت (۱۷۹۷ - ۱۷۸۵) در باب خودکشی و نیز دروغ مصححت‌آمیز نگاشت، بنتام نظریه‌ای پیچیده درباره مجازات پی‌ریزی کرد و طرح نوع جدیدی از زندان به نام پنوپتیکن^۴ را پیشنهاد نمود. همچنین او با تألیفاتی که درباره رفتار

1. Summa theologia.

2. Suarez.

3. Grotius.

۴. «Panopticon» جرمی بنتام نوعی زندان را مطرح کرد که معماری آن باید دارای نظام دیدبانی مشرف بر همه‌جا و همه‌کس باشد و آن را بهترین الگوی قدرت انضباطی می‌دانست.

پزشکی داشت، اخلاق پزشکی را به عرصه‌ای از مباحثات چالش‌خیز تبدیل کرد. هگل (۱۸۳۱ - ۱۷۷۰) نیز در فلسفه‌اش دیدگاه‌هایی را درباره خانواده و مجازات مطرح نمود. نوشته‌های جان استوارت میل در باب تساهل، پدرمآبی و فمینیسم امروزه نیز به‌عنوان موضوعات کاربردی قابل بحث و چالش، مورد علاقه اندیشمندان است.

در میان فیلسوفان قرن بیستم، نظریه‌های دیویی در باب تعلیم و تربیت تأثیر عملی فراوانی بر نظام‌های آموزش و پرورش در آمریکا و بریتانیا گذاشته است. کتاب *بوته ساکت*^۱ راشل کارسون^۲ توجه همگان را به خطرات بی‌شمار زیست‌محیطی جلب کرد. وی دستاوردهای تکنولوژیک و شیوه‌های کاربردی آنها را از جانب شرکت‌ها و دولت‌ها در محیط زیست به‌عنوان مسائلی اخلاقی معرفی کرد که باید فیلسوفان به آنها توجه کنند.

جنگ ویتنام و پیامدهای آن در آمریکا نیز به‌عنوان مسئله‌ای ذکر می‌شود که بحث‌هایی در طیفی از موضوعات اخلاق کاربردی (از قبیل سرپیچی مدنی، وظیفه در قبال یکی از دو مرجع اخلاقی وجدان یا جامعه) پدید آورده و موجب تأسیس انجمن‌ها و رسانه‌های مرتبط با مسائل فلسفی و سیاسی شد. جریان محاکمه پزشکان آلمان نازی، موسوم به «محاکمه نورمبرگ» عامل دیگر توجه به اخلاق کاربردی است. این پزشکان از انسان‌ها مانند حیوانات آزمایشگاهی استفاده می‌کردند. در نتیجه این محاکمه، «منشور اخلاقی نورمبرگ» با ده اصل پدید آمد و تا دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ حاکم بود. در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد نیز کتاب‌هایی تألیف شد که به‌طور ضمنی به موضوعات اخلاق کاربردی می‌پرداختند؛ اما در دهه‌های هفتاد و هشتاد، کتاب‌های متعددی با محوریت بررسی فلسفی موضوعات مختلف در اخلاق کاربردی، به‌ویژه اخلاق پزشکی در مرحله اول و اخلاق تجارت در مرحله دوم انتشار یافت. نهضت‌های لیبرالی دهه‌های شصت و هفتاد نیز در تحریک و تقویت اخلاق زیست پزشکی بی‌تأثیر نبودند. پس از آن به‌ترتیب اخلاق کار و تجارت و اخلاق محیط زیست از نخستین شاخه‌های اخلاق کاربردی بودند که پدید آمدند.

از دیگر تحولات تاریخی که عمیقاً بر اخلاق کاربردی تأثیر گذاشت، رأی دیوان عالی کشور ایالات متحده درباره سقط جنین در سال ۱۹۷۰ بود. پس از آن، انتشار کتاب *نظریه‌ای در باب عدالت* اثر راولز سرآغاز رهیافت تازه و عملی‌تری در اخلاق شد که لوازمی را در اقتصاد، حقوق و سیاست دربرداشت. (Beauchamp, 1999: 39) در دهه ۱۹۷۰، هنگامی که فلسفه اخلاق به موضوعاتی در اخلاق حرفه‌ای و نیز مسائل اجتماعی از قبیل قتل رهایی‌بخش، رفتار با حیوانات، جنسیت و نژاد، مجازات اعدام، سقط جنین،

1. Silent spring.
2. Rachel Carson.

مسئولیت محیط زیستی و تبعیض مثبت توجه کرد، اصطلاحات اخلاق کاربردی^۱ و اخلاق عملی^۲ باب شد. کسانی که به علایق کاربردی فیلسوفان در باب حقوق اخلاقی حیوانات توجه ویژه دارند، انتشار کتاب *آزادی حیوان* (۱۹۷۵) از پیتر سینگر را سرآغاز درک تازه‌ای از اخلاق به‌عنوان قلمرو عملی و عملیاتی می‌شمارند. از دیگر شخصیت‌های تأثیرگذار در ترویج این رشته، سی سالابوک^۳ است که در کتاب *دروغ‌گویی: گزینش‌های اخلاقی در زندگی خصوصی و عمومی و رازها در باب موضوعات زندگی عمومی* به بهترین شکل نوشت. همچنین مری میدگلی^۴ در کتاب *حیوان و انسان در باب روابط میان انسان و گونه‌های دیگر* بحث کرد. اونورا اُنیل^۵ نیز از مسائل فقر و گرسنگی بحث نمود. فیلسوف آکسفوردی، جان اتان گلور^۶ در باب اخلاق پزشکی دارای تألیف است و جان پسمور^۷ در اخلاق محیط زیست از منظری لیبرال دفاع می‌کند و بالاخره می‌توان از یورگن هابرماس (فیلسوف تأثیرگذار آلمانی) نام برد که برای حل مسائل عملی، مفهومی از اجماع را ترویج نمود. (Almond, 1998: 318-325)

در پیشینه‌شناسی اخلاق کاربردی، پاسخ به این پرسش نیز جذاب است که نخستین کسی که اصطلاح اخلاق کاربردی را به کار برد، کیست. برخی بر این باورند که توماس پرسیوال^۸ برای اولین بار اصطلاح «practical ethics» رواج داد. آنان گمان می‌برند که چون پرسیوال احتمالاً واژه فلسفه اخلاق کاربردی^۹ را که ساخته توماس گیسبورن^{۱۰} بود، به یاد نداشت، این اصطلاح را اختراع کرد. (Baker and Laurence, 2007: 4)

جستجوی نخستین استعمال اصطلاح «applied ethics» تا کنون برای نویسنده نتیجه‌ای دربر نداشته است و نیز پیدا کردن سرنخ نخستین استعمال «practical ethics» بسیار دشوار می‌نماید؛ ولی این اصطلاح در میان آثار مشهور بریتانیایی که دهه‌ها پیش از اثر پرسیوال در سال ۱۸۰۳ و اثر گیسبورن در سال ۱۷۹۴ وجود داشته‌اند، یافت شده است. اصطلاح «practical ethics» را می‌توان دست‌کم تا چارلز داوانانت^{۱۱} نویسنده انگلیسی برجسته در قرن هفدهم که در باب اقتصاد و اخلاق سیاسی می‌نوشت و یکی از معاصران جان لاک بود، دنبال کرد. آثار داوانانت به صد سال پیش از پرسیوال برمی‌گردد.

1. Applied ethics.
2. Practical ethics.
3. Sissela Bok.
4. Mary Midgley.
5. Onora Oneill.
6. Jonathan Glover.
7. John Passmore.
8. Thomas Percival.
9. Applied moral philosophy.
10. Thomas Gisborne.
11. Charles Davenant.

استعمال این اصطلاح از جانب او در رساله‌ای با نام «درباره تجارت زراعتی» که حاصل دو سخنرانی او - یکی درباره درآمدهای عمومی و دیگری درباره تجارت انگلستان است - آمده که او در آنها خطاها و صواب‌ها در مدیریت استعماری را به بحث گذاشته، نظر خود را تحت عنوان «مروری بر اخلاق عملی» شرح داده است. (Davenant, 1697 - 1698, 317) بحث او خیلی شبیه بسیاری از مباحث امروزی است. بیشترین ترویج اصطلاح اخلاق عملی، مرهون تلاش دیوید فورديس^۱ (۱۷۵۱ - ۱۷۱۱) در عناصر فلسفه اخلاق^۲ است. این اثر که گاه «عناصر فورديس» نامیده می‌شود، متعلق به سال ۱۷۴۸ است؛ ولی متن ویرایش‌شده آن در سال ۲۰۰۳ به چاپ رسیده است. عنوان فصل یکم از کتاب ۳ در این اثر، «در باب اخلاق عملی، یا فرهنگ ذهن» است. عناصر فورديس در سنانه یا کمک‌درسی مهمی در اخلاق فلسفی بود و یکی از متداول‌ترین کتاب‌های فلسفه اخلاق در نیمه دوم قرن هجدهم، نه تنها در بریتانیا، که در هاروارد و سایر دانشگاه‌های آمریکا به شمار می‌رفت. این اثر نخستین بار در سال ۱۷۵۴ (سه سال پس از مرگ فورديس) به عنوان کتاب مستقل چاپ شد؛ ولی پیش از آن در سال ۱۷۴۸ به عنوان بخش نهم کتاب معلم، شامل دوره‌ای عمومی درباره تعلیم و تربیت، اثر دادسلی به چاپ رسیده بود. فورديس در استرالیا از سال ۱۷۴۲ تا زمان مرگش استاد فلسفه بود و در سال ۱۷۵۱ بدرود حیات گفت؛ ولی عناصر او در ویرایش‌های تازه زنده ماند و (پیش از پرسپوال) در ویرایش‌های تأثیرگذار دائرةالمعارف بریتانیکا بازبای شد. (Beauchamp, 2007: 55-64)

در دنیای اسلام نیز در منابع مکتوب اخلاق اسلامی، سرخ‌های بسیاری از دل مشغولی‌های عملی و کاربردی دانشمندان مسلمان دیده می‌شود. علاوه بر آداب‌نویسی و اندرزنامه‌نویسی‌های فراوان که با هدف ترویج عملی اخلاق نگارش یافته، با توجه به چالش‌ها و نیازها، به‌طور کلی سه عرصه اخلاق دانشوری و تعلیم و تعلم، اخلاق پادشاهی و دولت‌مردی و حکمرانی و اخلاق طبابت و پزشکی، تک‌نگاری‌های زیادی را به خود اختصاص داده است. در زمینه اخلاق حکمرانی، آثاری از جمله فی نصیحة ولی العهد عبدالحمید الکاتب در نیمه اول قرن دوم هجری تا میزان الملوک و الطوائف سیدجعفر دارابی کشفی در قرن سیزدهم یافت می‌شود و در اخلاق دانشوری آثاری را از الادب الوجیز عبدالله بن المقفّع (م ۱۴۵ ق) تا تریبة المتعلمین سید ابوالحسن لکنهوی (زنده در حدود ۱۲۷۱ در هند) می‌توان فهرست نمود. (برای دیدن فهرستی از این آثار نگاه کنید به: احمدپور و دیگران، ۱۳۸۹، ۴۱۴-۴۱۱)

در عرصه اخلاق پزشکی شاید به دلیل مسائل و مشکلات چشمگیرتری که این عرصه برای

1. David Fordyce.
2. Elements of Moral Philosophy.

اندیشمندان اخلاقی داشته، آثار و مکتوبات اخلاقی آن بیشتر به اخلاق کاربردی به معنای دقیق امروزی آن نزدیک‌اند؛ چراکه این آثار علاوه بر بیان هنجارهای اخلاقی حاکم بر حرفه پزشکی و روابط پزشک و بیمار به صورت جزئی‌تری وارد بحث شده و مسائل کاربردی را عنوان نموده‌اند. یکی از قدیمی‌ترین آثار در این زمینه کتاب *نوادر الطیبة* اثر ابوزکریا یوحنا (یحیی) بن ماسویه (م. ۲۴۳ ق) است که مقالات فلسفی و اخلاقی را در کنار مقالات پزشکی آورده است.

از دیگر آثار اخلاق پزشکی در اسلام می‌توان *ادب الطیب* اثر اسحاق بن علی الرهاوی (طیب نیمه دوم قرن سوم)، *کامل الصناعة الطیبة* اثر علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی^۱ (م. ۳۸۴ ق)، *مجمع النوادر* مشهور به *چهار مقاله* اثر نظامی عروضی سمرقندی (م. قرن ششم)^۲، *معالم القرية و امور الحسبة* اثر ابن‌اخوه (م. ۷۲۹ ق)^۳، *النافع فی کیفیة تعلیم صناعة الطب* اثر علی بن رضوان مصری (م. ۴۶۰ ق)، *دعوة الاطباء ابوالحسن المختار بن عبدون بن بطلان* (م. ۴۶۰ ق)، برخی از *رسائل اخوان الصفاء* و آثار متعدد دیگری را نام برد. (کهندل و زارعی، ۱۳۷۳: ۵۷ - ۱۷)

از دیگر مباحث اخلاق کاربردی که در تاریخ اندیشه اسلامی دارای پیشینه است، می‌توان به بحث حقوق اخلاقی حیوانات اشاره کرد که تحت عناوینی مانند «حقوق الحيوان»، «حقوق الدابة» یا «حقوق البهائم علی الانسان» در منابع و آثار اسلامی دیده می‌شود. علاوه بر ابوابی که در مجامع روایی در این بحث وجود دارد، (برای نمونه: حر عاملی، ۱۳۹۱ق: ۳۵۰؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۷: ۳۵۸) در میراث مکتوب عالمان مسلمان نیز آثاری در این موضوع نگارش یافته است؛ برای نمونه، عز بن عبدالعزیز بن عبدالسلام در کتاب *القواعد الکبری حقوقي مترقی* را از دیدگاه اسلامی برای حیوانات منظور می‌نماید. (ابن عبدالسلام، ۱۴۲۱: ۲۳۸) ابوبکر محمد بن زکریای رازی، طبیب مشهور، نیز از دانشمندانی است که در باب حقوق بهائم بر انسان بحث کرده است. البته سخنان او بیشتر صبغه فلسفی داشته، ذیل عنوان «خلاص النفس» از چگونگی رهایی و خلاصی انواع نفوس انسانی و حیوانی بحث می‌کند؛ اما در ضمن آن به نکاتی درباره ناشایست بودن رفتار برخی سلاطین و اشراف در شکار بی‌رویه حیوانات و التذاذ از رنج و درد آنها نیز پرداخته است. هرچند چنان‌که برخی نویسندگان آورده‌اند، متفکران مسلمان در بحث از حقوق حیوان، مسائل و دل‌مشغولی‌های مختص عصر خویش را عنوان نموده‌اند و امروزه دل‌مشغولی‌های تازه‌ای در این موضوع پدید آمده که در آن آثار یافت نمی‌شود، توجه این متفکران به ملاحظات اخلاقی مطرح در تعامل

۱. این کتاب با عنوان *پندنامه اهوازی* یا *آیین پزشکی* به اهتمام د. محمود نجم آبادی به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

۲. در این کتاب به ترتیب، وظایف و شرایط اخلاقی چهار طبقه (دبیر، شاعر، منجم و طبیب) نگارش یافته است.

۳. این کتاب تحت عنوان *آیین شهرداری* به فارسی ترجمه شده است.

انسان و حیوان، گواه جامعیت نگاه مسلمین در اندیشه اخلاقی است. (الجابری و دیگران، ۲۰۰۲: ۳۴ - ۳۲)

یکی از عرصه‌های عملیاتی و کاربردی‌تر در تاریخ اخلاق‌نگاری اسلامی آثاری است که گروهی از عارفان مسلمان تحت عنوان «اخلاق فتوت و جوانمردی» از خود به جای گذاشته‌اند. این گروه که جذابیت اخلاق عرفانی را نزد توده مردم از یک سو و دشواری و دیریابی آثار تخصصی عرفان و تصوف اسلامی را از سوی دیگر مشاهده نمودند، جریانی را با هدف همگانی کردن اخلاق عارفانه و کاربردی نمودن هرچه بیشتر آن تحت عنوان «فتیان» به راه انداختند و به این منظور علاوه بر فتوت‌نامه‌های عام، به طور اختصاصی به نگارش رساله‌هایی در اخلاق ویژه اصناف و اصحاب حرفه‌های مختلفی همچون شاطران، نمدمالان، خبازان، کرباس‌بافان، صاحبان سنگ و ترازو، قصابان، سلاخان، حمامیان و سلمانیان پرداختند که می‌تواند نمونه‌ای از پیشینه اخلاق حرفه‌ای - کاربردی مسلمین به شمار آید. البته ناگفته نماند که فتیان در کنار این هدف فرهنگی بزرگ که اساس اهداف آنان بود، اهدافی سیاسی و اجتماعی نیز داشتند که در یک جمله، کمک به درماندگان و بیچارگان و استیصال جابران و ستمگران را خلاصه این اهداف می‌دانستند. (احمدپور و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵۱ - ۲۴۳)

رتبه و جایگاه علمی اخلاق کاربردی

از طرح رتبه و جایگاه علمی می‌توان دو معنا را در نظر داشت: یکی ارج و منزلتی که این رشته علمی در میان علوم انسانی دارد؛ به این معنا اخلاق کاربردی قدر و منزلت خود را وامدار ارزش دانش اخلاق است. معنای دیگر، موقعیت مناسب بحث در ترتیب علم‌آموزی است که به این معنا هرچند به لحاظ منطقی، مطالعات اخلاقی باید به این ترتیب انجام شود: اخلاق تحلیلی (فرااخلاق)، اخلاق هنجاری، اخلاق کاربردی و تربیت اخلاقی، با این همه به لحاظ مصلحت تسهیل در تعلیم، لازم است ترتیب به این نحو تغییر یابد: اخلاق کاربردی، اخلاق هنجاری (یا گاهی مباحثی از اخلاق تحلیلی) و تربیت اخلاقی. شروع تعلیم از اخلاق کاربردی به این دلیل به مصلحت است که متعلم را با همان مسائلی اخلاقی که معمولاً روزمره با آنها سروکار دارد، درگیر می‌کند و با طرح مسائل چالشی و جستجوی راه‌حل آنها پرسش از چیستی واقعی هنجارهای اخلاقی را برای متعلم ایجاد نموده، اشتیاق آموختن مباحث بنیادی‌تر را در او زنده می‌کند. تربیت اخلاقی هم به این دلیل در پایان راه است که این رشته، ناظر به پس از زدودن بن‌بست‌های نظری و هموار شدن مسیر علمی دانش اخلاق است و از شیوه‌های درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی در فرد یا سازمانی است که اغلب مشکل نظری و معرفت‌شناختی ندارد و مانع اصلی او تنها ضعف اراده در تصمیم‌گیری برای انجام رفتار اخلاقی است.

روش اخلاق کاربردی

توافق گسترده‌ای در میان فیلسوفان درباره امکان آموزش اخلاق کاربردی، عمل کردن به آن و تحقیق و پژوهش در آن وجود دارد؛ ولی توافق چندانی درباره چگونگی رسیدن به این اهداف وجود ندارد. پرسش از این چگونگی ما را به گفتگو درباره روش اخلاق کاربردی وارد می‌کند و این گفتگو سبب می‌شود که از مباحث درجه اول این رشته که با دغدغه‌های اخلاق هنجاری هماهنگ است، گامی عقب‌تر برداریم و درباره مسائل درجه دوم مربوط به این پرسش تأمل کنیم که آیا روش یا روش‌هایی برای توجیه نتایج اخلاق کاربردی وجود دارد و اگر وجود دارد، کدام روش‌ها و شکل‌های توجیه قابل رجحان هستند.

مباحثات مربوط به روش در اخلاق کاربردی بیشتر در شاخه اخلاق زیستی انجام گرفته است و می‌توان این مباحثات را با کلیدواژه مدل^۱ یا به دلیل پیوند صمیمانه‌ای که پرسش از روش با پرسش از توجیه دارد، با کلید واژه «justification» در آثار پژوهشگران این رشته جستجو کرد.

هدف از توجیه در بحث اخلاقی این است که خصوصیت یا وضعیتی را که فاعل اخلاقی در آن قرار دارد، با ارائه دلایل کافی تصدیق و تأیید کنیم. در پی‌گیری این هدف باید توجه داشته باشیم که هر دلیلی خوب نیست و هر دلیل خوبی کافی نیست؛ برای نمونه، زمانی شرکت‌های شیمیایی در ایالات متحده، وجود سموم مواد شیمیایی در محیط کارگاهی را دلیل حقوقی و اخلاقی خوبی برای منع زنان در سنینی که قابلیت حاملگی دارند، از حضور در کارگاه‌های پرخطر می‌دانستند؛ ولی دیوان عالی ایالات متحده این سیاست‌ها را به دلیل اینکه تبعیض علیه زنان را روا می‌دارند، معلق کرد. خطر مواد شیمیایی پرخطر برای سلامت و زندگی، دلیل خوبی برای وضع سیاست‌هایی است که سلامتی کارکنان یک کارگاه را تضمین کند؛ ولی این دلیل برای وضع سیاست‌های ممنوعیت و تحریم کار، تنها بر زنان کافی نیست.

از میان انواع روش‌ها، سه روش تأثیرگذار بوده است: روش نخست از یک منظر از بالا به پایین به توجیه می‌نگرد که بر هنجارهای اخلاقی و نظریه اخلاقی تأکید دارد. روش دوم از یک منظر از پایین به بالا به توجیه می‌نگرد که بر تجربه، موقعیت‌های جزئی و نمونه‌های سابق در سنت اخلاقی توجه اکید دارد. روش سوم به هیچ‌یک از شیوه‌های از بالا به پایین یا از پایین به بالا ارجحیت نمی‌دهد و می‌کوشد تا روش میانه‌ای را پیشنهاد کند که مزایای دو روش پیشین را حفظ کرده، از اشکالات و کاستی‌های آنها به دور باشد. به دلیل اینکه بحث از روش - دست‌کم به نظر نگارنده - مهم‌ترین بحث در میان مباحثات مربوط به مبانی و مبادی اخلاق کاربردی است و انبوهی از کتاب‌ها و مقالات در تنها یک دهه اخیر به این بحث اختصاص یافته، ضروری است تا در مجال گسترده‌تری به این بحث بپردازیم.

1. Model.

نتیجه

در این مقاله شاید برای نخستین بار، شناسنامه نسبتاً جامعی از دانش اخلاق کاربردی ارائه کردیم و به ترتیب رئوس ثمانیه منطقی، در ضمن تعریف مبادی علم‌شناختی این رشته روبه‌رشد، از برخی از دشواری‌ها و مباحث چالشی درباره این مبادی، به‌ویژه چالش‌های علمی درباره تعریف، موضوع، غرض و فایده اخلاق کاربردی سخن گفتیم و معلوم شد که لازم است در این چالش‌ها میان دو رویکرد فلسفی و حرفه‌ای در این رشته تمایز بگذاریم. آنگاه تلاش کردیم موضع صحیح را شناسایی و مطرح کنیم. علاوه بر اینکه به مناسبت بحث از تعریف و موضوع اخلاق کاربردی، به کاوشی نسبتاً تفصیلی درباره نسبت اخلاق کاربردی با فلسفه کاربردی، اخلاق هنجاری و اخلاق حرفه‌ای پرداختیم.

در این کاوش آشکار شد که تمایز اخلاق کاربردی از اخلاق هنجاری به همان میزان دشوار است که تمایز میان فلسفه کاربردی و فلسفه غیر کاربردی. چنین به نظر می‌رسد که ترسیم رابطه میان اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای، با توجه به اتخاذ رویکرد فلسفی یا رویکرد حرفه‌ای در اخلاق کاربردی، به اختلاف نظر منتهی می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. احمد پور، مهدی و دیگران، ۱۳۸۹، کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی: گزارش تحلیلی میراث مکاتب اخلاق اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲. اسلامی محمد تقی و دیگران، ۱۳۸۹، اخلاق کاربردی: چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. حر عاملی محمد بن حسن، ۱۳۹۱ ق، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۸، باب ۹ «حقوق الدابة المندوبة والواجبة»، بیروت، دار احیاء التراث.
۴. الجابری عابد، محمد و آخرون، ۲۰۰۲ م، حقوق الانسان فی الفكر العربی: دراسا شیزت فی النصوص، بیروت، مرکز دراسات وحدة العربیة.
۵. ابن عبدالسلام عز بن عبدالعزیز، ۱۴۲۱ ق، القواعد الکبری الموسوم بقواعد الاحکام فی اصلاح الأنام، ج ۱، دمشق، دار القلم.
۶. فرامرزی قراملکی، احد، ۱۳۸۸، اخلاق سازمانی، تهران، سرآمد.
۷. کهندل پرویز و نساء زارعی، ۱۳۷۳، «تاریخچه اخلاق پزشکی از بعد وظایف و صفات اطباء»، کلیات اخلاق پزشکی، ج ۱، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی، نشر سروش، ص ۵۷ - ۱۷.

۸. نوری طبرسی، حسین، ۱۴۰۷ ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۸، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

9. Almond, Brenda, 1998, "Applied Ethics", *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, edited by Edward Craig, V.1, pp. 318-325, New York, Routledge.
10. Anscombe, G. E. M., 1981[1957], "Mr. Truman's Degree," in *Collected Philosophical Papers of G. E. M. Anscombe*; vol. 3: Ethics, Religion and Politics. Oxford, Blackwell.
11. Archard, David and Kasper Lippert-Rasmussen, 2013, "Applied Ethics", *The International Encyclopedia of Ethics*, Edited by Hugh LaFollette, pp. 320-335, Blackwell Publishing Ltd.
12. Baker, Robert, and McCullough Laurence, 2007, "Medical Ethics' Appropriation of Moral Philosophy: The Case of the Sympathetic and the Unsympathetic Physician", *Kennedy Institute of Ethics Journal*, Volume 17: 3-22, Washington DC.
13. Beauchamp Tom L., 2007, "History and Theory in Applied Ethics", *Kennedy Institute of Ethics Journal*, Volume 17, Number 1, pp.55-64, Washington DC.
14. Beauchamp Tom L., 1984, "on Eliminating The Distinction Between Applied Ethics and Ethical Theory", *The Monist*, Vol. 67, No. 4.
15. Beauchamp Tom L., 1999, "Applied Ethics", *Philosophy and Ethics: Selections from The Encyclopedia of Philosophy and Supplement*; ed. By Donald M. Borcher, pp.514- 531, MacMillan library Reference.
16. Coady, David, 2007, "Are Conspiracy Theorists Irrational?" *Episteme: A Journal of Social Epistemology*, vol. 4, no. 2, pp.193-204.
17. Davenant, Charles, 1697 - 1698, *Two Discourses on the Publick Revenues and Trade of England*, London.
18. Dennett, Daniel, *Elbow Room*, 1984, The Varieties of Free Will Worth Wanting. Oxford, Clarendon Press.
19. Fordyce, David, 2003, "The Elements of Moral Philosophy", *Three Books with a Brief Account of the Nature, Progress, and Origin of Philosophy*, ed. Thomas Kennedy. Indianapolis, Liberty Fund.
20. Gert, Bernard, 1982, "licensing Professions", *Business and Professional Ethics Journal* 1, pp.51- 61.
21. Hare, Richard M., 1986, "What Is Wrong With Slavery?" in P. Singer (ed.) , *Applied Ethics*, P. Singer (ed.) , pp. 180- 190, Oxford, Oxford University Press.
22. Haslanger, Sally, 2000, "Gender and Race: (What) Are They? (What) Do We Want Them to Be?" *Noûs*, vol. 34, no. 1, pp.31-55.
23. Loudon, Robert B., 2000, *Kant's Impure Ethics: From Rational Beings to Human Beings*. Oxford, Oxford University Press.
24. McMahan, Jeff, 2009, *Killing in War*, Oxford, Oxford University Press.
25. Singer, Peter, 2005, "Ethics and Intuitions," *Journal of Ethics*, vol. 9, pp.331-352.
26. Wilkes, Kathleen, 1988, *Real People*, Oxford, Oxford University Press.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني